

سلطان احمد میرزا ملقب به عضدالدوله، مشهور به موجول میرزا، پسر چهل و هشتم فتحعلی شاه قاجار بود که در سال ۱۲۳۹ ه. ق از بطن طاووس خانم اصفهانی ملقب به تاج الدوله، زن سوگلی فتحعلی شاه متولد شد و در سال ۱۳۱۹ ه. ق. درگذشت

نقدی بر چاپ جدید کتاب تاریخ عضدی

○ الهام ملک زاده

ای امین شه، امان از دست تو

نیست یک دل شادمان از دست تو

از فلان شد دین پیغمبر تبه

حالا گو این زمان از دست تو^۱

آشنایی با بسیاری رسوم و اخلاق رایج در دربار، به ویژه حرم پادشاه قاجار از دیگر جنبه‌های ارزشمند و مفید کتاب است که به کار محققان و تاریخ‌پژوهان بسیار می‌آید مثلاً مؤلف تاریخ عضدی درباره سلطان حقی (وجهی بود که خاقان هر وقت با یکی از حرمها مضاجعت می‌فرمودند، برای زوجات و بنین و بنات سلطنت می‌فرستادند).

می‌نویسد: «هر وقت موی زلف مبارک را می‌زدند، گاهی می‌فرمودند برای فلان زن از خادمان حرم یا شاهزاده خانم‌ها یا عروس‌های محترمه سلطنت ببرند. خادمان قهوه‌خانه که آن را می‌بردند مبلغی از این بابت تعارف می‌گرفتند. اما این امتیاز بسیار کم دانه می‌شد. زیرا به هر یک از خواتین که حضرت خاقان موی زلف خود را التفات می‌فرمود مبلغی هم می‌داد که برود جواهر نفیسه و قیمتی بخرد و آن موی را در آن جواهر نشانده بر سر خود نصب کند. فقره موی سر خیلی مایه افتخار بود. هر که از آن موی مبارک بر سر خود زده بود بر همگنان تفاخر به خرج می‌داد.»^۲

احمد میرزا عضدالدوله اندوه فتحعلی شاه نسبت به مرگ عباس میرزای نایب‌السلطنه را نیز به خوبی توصیف نموده است. او حکایت می‌کند: «بعد از شنیدن این خبر ملاعلی محمد کاشی نزد شاه رفت و بدون هیچ واهمه‌ای عرض کرد، ای پادشاه بزرگ پیر! گویا اسفندیار روئین تنی. در ماتم محمدعلی میرزا حق داشتی که گریه نکنی، مثل نایب‌السلطنه داشتی. حال چرا آسوده نشسته‌ای! شاه فرمود آخوند، گریه پند برای پسر مذموم است.

بنا به گفته عضدالدوله هیچکس گریه فتحعلی شاه را در سوگ فرزند ندید تنها مگر حاجیه استاد که هر روز هنگام صبح، ظهر و شام سجاده نماز شاه را پهن و جمع می‌کرد. او می‌گفت از شدت اشک، مهر که سهل است تمام جانماز شاه تر بود.»^۳

عضدالدوله چنان که گذشت در سال ۱۳۱۹ ه. ق. درگذشت. دخترش شمس‌النوله به عقد ناصرالدین شاه قاجار درآمد و پسرانش عبدالمحمد میرزا سیف‌النوله (مشهور به آقای داماد)، سلطان عبدالمجید سیرزا عین‌النوله و وجیه‌الله میرزا سپهسالار، هر سه از رجال معروف عصر قاجار و دارای مشاغل و مناصب مهمی در آن عصر بودند و از خود نقشی به یادماندن در صفحات تاریخ ایران بجا گذاشتند، به ویژه عبدالمجید میرزا عین‌النوله که مراتب ترقی را خیلی سریع طی کرد و حتی به مقام صدارت نیز رسید.

○ ناگفته‌های دربار فتحعلیشاه

○ تالیف: عضدالدوله

○ به سعی: حسن محمدی گرمساری

○ ناشر: آفرینه، تهران، چاپ اول، ۱۳۲۹

تاریخ عضدی نوشته شاهزاده سلطان احمد میرزا عضدالدوله^۱ پسر فتحعلی شاه و از منابع مهم و معتبر دربار وقایع دوران سه شاه اول قاجاری یعنی آقامحمدخان، فتحعلی شاه (باباخان) و محمدرضا به‌شمار می‌رود. این کتاب که به دلیل صداقت قلم نویسنده قابل توجه است بر سهیل حکایت و نه بر سهیل تاریخ نوشته شده و مبین روحیات و احوال شاهان مذکور نیز می‌باشد.

شاهزاده سلطان احمد میرزا زمان مرگ پسر طفلی ۱۰ ساله بود به همین دلیل خود شاهد اکثر وقایعی بوده که در کتابش آورده و آن چه را هم که از دیگران شنیده با قید این مطلب که خود شخصاً به گوش خویش از افراد مورد اعتماد شنیده آورده است. خاصه آن که سلطان احمد میرزا از فرزندان تاج‌الدوله^۲ از سوگلی‌های شاه بود و طبیعتاً از تقرب بیشتری نیز برخوردار بوده چنان که از همان کودکی، حتی در مراسم سلام هم اجازه حضور داشته. وی که از شیرینی کلام و حسن صحبت بهره‌مند بود بنا بر قول دوستلی خان میرالممالک همواره مورد توجه افراد خاصه زنان دربار ناصری بود که می‌خواستند از کم و کیف امور دربار در گذشته اطلاعاتی بدست آورند. این صحبت‌های دلچسب سلطان احمد میرزا آن قدر شهرت یافته بود که محمدرضا خان اعتمادالسلطنه به او تکلیف نمود که صحبت‌ها و تقریراتش را مکتوب نماید. لذا شاهزاده هم پذیرفت و همان روانی و صداقت در گفتار را در تحریر نیز رعایت کرد و هرچه را که در مورد سلطنت آقامحمدخان، فتحعلی شاه و محمدرضا می‌دانست به رشته تحریر کشید. وی هم‌چنان که رویدادهای زمان محمدرضا را همچون یک راوی بیان کرده قضایای مربوط به جنگ هرات را نیز شرح می‌دهد و ضمناً فهرست کاملی از زنان و دختران فتحعلی شاه ارائه می‌کند حتی برخی مطالب خصوصی مربوط به پدرش را بازگو می‌نماید و بطور کلی از بیان حقیقت چشمپوشی نمی‌کند و با صداقت کامل به روایت واقعات می‌پردازد. به عنوان مثال جریان عروسی ملارش را نیز ذکر کرده است.

سلطان احمد میرزا با صداقت تمام پدرش را فردی ایلداری معرفی می‌کند که تا حد مضحکه شنش نزد خاص و عام خفیف شده است. این همه صداقت خواننده را به این فکر می‌اندازد این نوشته‌ها که موقعیت و جایگاه شخص شاه را تنزل می‌دهد، چرا و چگونه تحریر شده است. مثلاً نویسنده در مورد ازواج پدرش یا سکنه خانم اصفهانی قید می‌کند که آن زن پیشتر همسر فرد دیگری بوده که پس از قتل شوهرش به دستور شاه به همسری فتحعلی شاه درآمده است. ضمن اینکه حتی تصریح می‌کند: «بعضی از نکته‌سنجان گفتند کشتن شوهر برای بردن زن بود»^۳

سلطان احمد میرزا به فراخور مطالب از اشعاری متناسب و زیبا هم در متن کتاب استفاده کرده است. از آن جمله در جایی می‌نویسد: «هر مراجعت از جنگ باروس، با آن پریشانی وضع و خیالات اولیای حضرت و غمگینی خاطر همایون، به سلیمان میرزا دست خط شد که تا خصه به اسقبال بیا و آن شکرخنده که پرنوش دهانی دارد... با خود بیایور.»^۴ و یا آن جا که میرزا علی هزارجریبی به اجازه حضور شاه بی‌اهمیتی کرده از آمدن نزد شاه سرپیچی نمود «بی‌ظرفیتی» فرد مذکور را با این شعر بیان کرده است:

«شاه اگر لطف بی عدد داند

بند باید که حد خود داند»^۵

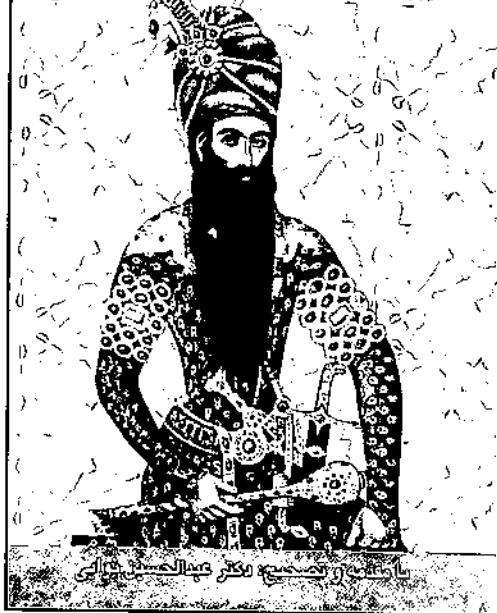
عضدالدوله در سال ۱۳۰۴ ه. ق. زمانی که حکومت همدان را عهدنار بود به درخواست

پی‌نوشت‌ها:

۱. عضدالدوله، احمد میرزا: تاریخ عضدی، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک، ۱۳۵۵، ص ۱۷۲.
۲. بهمناد، مهدی: شرح حال رجال ایران، ج ۱، انتشارات زوار، چاپ چهارم، ص ۷۰ و نیز بگریید به شیرازی، فضل‌الله حسینی: تذکره خاوری، به کوشش میرهاشم محدث، انتشارات زنگان، چاپ اول، ۱۳۲۹.
۳. عضدالدوله: تاریخ عضدی، پیشین
۴. همان، ص ۱۳۰
۵. همان، ۱۱۵
۶. همان، ۱۳۳
۷. همان، ص ۹۰
۸. همان، ۱۵۱

تاریخ عضدی

میرزا احمدخان عضدالدوله



آقای آقاخان و تصحیح دکتر عبدالصمد شیرازی



حسن حسینی گرمساری

۲- بر اساس توضیحات ناشر، این کتاب نسخهای خطی بوده که ۷ صفحه اولش به دست نیامده است. ولی در پایان همین کتاب در بخش «خاتمه» که البته در تاریخ عضدی با عنوان «خاتمه چاپ اول کتاب تاریخ عضدی» آمده است چنین آورده شده: «به خط اقل الفقراء میرزا علی اکبر شیرازی المتخلص به نژی در مطبع احمدی واقع در بمبئی به زیور طبع آراسته گردیده به تاریخ هفتم شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۶ هـ. ق. [۱۳۰۴ هـ. ق.] که خود تأییدی است بر این که برخلاف ادعای ناشر، این کتاب از روی نسخه چاپی بمبئی صرفاً حروفچینی مجدد شده است نه نسخه خطی. چرا که نسخه خطی اصولاً در مطبعه به طبع نمی‌رسد. لازم به ذکر است که در کتاب حاضر به جز روی جلد و صفحه اول شناسنامه کتاب که اسم ساعی آن به چاپ ذکر شده برخلاف رسم معمول، هیچ‌گونه مقدمه پیش گفتار، دلیل انتخاب کتاب، چگونگی دسترسی به آن و یا هر توضیح ضروری دیگری دیده نمی‌شود و تنها ناشر، توضیحات اندکی ارائه نموده است.

۳- در کتاب ماه و در ابتدای معرفی کتاب ناگفته‌های دربار فتحعلیشاه ذکر شده که به امر محمدرضا عضدالدوله [باز هیچ توضیحی در شناخت صاحب اثر داده نشده حتی اسم وی به غلط احمد میرزا به جای سلطان احمد میرزا ضبط شده است] تصمیم به تحریر این کتاب گرفته است. درحالی که باید گفت عضدالدوله^۱ باز بنا به تصریح خود کتاب ناگفته‌های دربار فتحعلیشاه در زمان حکومت در همدان، یعنی به سال ۱۳۰۴ هـ. ق. آن هم به امر اعتمادالسلطنه و در عصر سلطنت ناصرالدین شاه دیست به نگارش تاریخ عضدی زده است.

۴- در نسخهای که کوهی کرمانی بدون توضیحات از این کتاب تهیه کرده تعداد صفحات بالغ بر ۱۲۸ است و شاید تنها دلیل بیشتر بودن صفحات «ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه» که آن هم توضیحاتی ندارد این باشد که با تیره‌هایی که از متن جدا کرده کتاب را به نوعی فصل بندی و تویبب نموده است. مثلاً آورده:

- آغاز حکایات زوجات خاقان مغفور
- زنان فتحعلی‌شاه
- آسیه خانم

و بعد متن اصلی مربوط به همان تیر تیر را آورده است که این امر موجب شده حجم کتاب بیش از چاپ قبلی آن باشد.

۵- اغلاط مختلف چاپی که بعضاً محتوای مطالب را تغییر داده است نیز زیاد به چشم می‌خورد.

۶- توضیحاتی که در بانویس برخی صفحات احتمالاً از سوی ویراستار و نه آقای گرمساری اضافه شده به لحاظ تاریخی به هیچ روی مفید و کافی نیستند.

۷- افتلاگی مطالب با توجه به این که نسخه استفاده شده در چاپ ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه همان چاپ بمبئی است که بعدها مورد استناد دکتر نوبلی نیز قرار گرفته بدین جهت در نتیجه مقابله این دو نسخه افتلاگی‌های کتاب جدید کاملاً مشخص می‌شود که در زیر به آنها اشاره می‌شود. از آن جا که نمونه‌های مورد اشاره به صورت اختصار آمده حرف اول نام فامیل گردآورندگان این دو کتاب برای تمیز از یکدیگر آورده می‌شود. بدین ترتیب که «گ» گرمساری (کتاب ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه) و «ن»

اعتمادالسلطنه کتاب تاریخ عضدی را به رشته تحریر درآورد و همان موقع هم در ملتی کمتر از دو سال یعنی در سال ۱۳۰۶ هـ. ق. با حمایت محمدکریم شیرازی معروف به نمازی و به امر آقاخان سوم (آقامحمدشاه) در بمبئی هند با چاپ سنگی و کاغذ رنگی زرد رنگه به چاپ رساند.

در سال ۱۳۲۸ هـ. ش. از روی همین کتاب، چاپ سربی جدیدی توسط حسین کوهی کرمانی در ۱۲۸ صفحه بدون هیچ مقدمه و توضیحی، نیز با اغلاط زیاد، منتشر شد. تا این که در سال ۱۳۵۵ هـ. ش. دکتر عبدالصمد نوبلی این کتاب را در یک تصحیح انتقادی، همراه با توضیحات و تعلیقاتی بر اساس منابع دوره قاجار مانند ناسخ‌التواریخ و روضه‌الصفاء، با جدول بندی دختران و زنان فتحعلی‌شاه به صورت الفبایی، و پسران آن شاه بر مبنای سال تولد توسط انتشارات بلبک به محققان دوره قاجار عرضه کرد و در سال ۱۳۷۸ هـ. ش. تجدید چاپی توسط انتشارات علم از روی نسخه چاپی پیشین انجام شد که نکته‌های جدیدی نیز بدان افزوده شده بود مثلاً در نسخهای که در آغاز در هندوستان به یاری آقاخان منتشر شده بود از جلد وی با تجلیل، به عنوان زن شاه نام برده شده بود اما در تصحیح دوم دکتر نوبلی، معلوم گردید که مادر این زن فاطمی باجی، کنیزک گرمساری فتحعلی‌شاه بود که بعدها دخترش به همسری آقاخان درآمده است. شرح مفصل این حکایت نیز در ص ۲۸ چاپ دوم آورده شده که در چاپ هند از آن اثری نبوده است.

همچنین برای جلوگیری از اشتباه خواننده این قبیل آثار، در مواردی چون تکرار القاب افراد و یا مشخصات زنان، مطالب دقیقی راجع به کلیه رجالی که نامشان در کتاب آمده همراه با چند سند تاریخی در کتاب ذکر شده است.

با وجود چنین پیشینه‌ای از چاپ‌های مختلف کتاب تاریخ عضدی، در تیرماه ۱۳۷۹، در تازه‌های نشر معرفی شده در ماهنامه وزین «کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» مشخصات کتابی درج شده بود که با توجه به آشنایی نگارنده این سطور با کتاب تاریخ عضدی و نویسنده و مصحح آن، و با علم به این قضیه که عضدالدوله تنها یک کتاب به رشته تحریر درآورد و آن نیز، همین کتاب است حدس زدم که این کتاب می‌بایست همان تاریخ عضدی باشد. با این همه برای اطمینان خاطر و رفع هر نوع تردید در مورد کتاب جدید که تحت عنوان ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه چاپ شده بود کتاب را تهیه کردم و با مزاجه بدان اطمینان یافتم که در واقع این همان تاریخ عضدی است که این بار با نامی جدید منتشر شده است. بر اساس اطلاعات مندرج در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (بخش معرفی کتابهای تازه منتشر شده تیرماه ۱۳۷۹) و نیز سخن ناشر، کتاب ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه که به سعی آقای حسن محمدی گرمساری تهیه شده از روی یک نسخه خطی فقط بازنویسی شده اما هیچ اشاره‌ای به منبع و یا مرکزی که این نسخه از آنجا به دست آمده یا در آنجا نگهداری می‌شود نشده است. ضمن آن که ناشر اظهار امینداری کرده این کتاب که تاکنون مورد توجه واقع نشده بتواند مورد استفاده تاریخ‌نویسان قرار بگیرد در این رابطه ذکر چند نکته لازم است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

۱- کتاب ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه دقیقاً همان کتاب تاریخ عضدی است که حداقل ۴ بار به چاپ رسیده است. یک بار در بمبئی هند [به تصریح خود کتاب ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه]^۲ و سه بار در ایران.

عبدالذوله در سال ۱۳۰۴ هـ. ق. زمانی که حکومت همدان را عهده‌دار بود، به درخواست اعتمادالسلطنه، کتاب تاریخ عضدی را به رشته تحریر درآورد، و همان موقع هم در مدتی کمتر از دو سال یعنی در سال ۱۳۰۶ هـ. ق، با حمایت محمدکریم شیرازی معروف به نمازی و به امر آقاخان سوم (آقامحمدشاه) در بمبئی هند به چاپ سنگی رساند

که شاید منظور منور خاتم مطرب بود که باز این نکته را می‌رساند که تهیه‌کننده کتاب هیچ آشنایی با دوره فتحعلی‌شاه ندارد.

تصویر ۷: هرمز فرزند انوشیروان شاه مرقوم میرزاابا و مورخ ۱۲۰۴ ق. ذکر شده که اولاً مشخص نیست هرمز و انوشیروان شاه چه کسانی هستند. اگر منظور هرمز میرزا فرزند فتحعلی‌شاه است که اصولاً در ۱۲۰۴ ق، دولتی تحت عنوان قاجار وجود خارجی نداشته تا چه برسد به آن که عکس شاهزادگانش تصویر شود و از آن گذشته، ربط این عکس‌ها با کتاب هیچ معلوم نیست. تصاویر ۸ و ۹ که اساساً وجودشان در این کتاب بی‌معنی است، چرا که اصلاً کاخ گلستان در زمان فتحعلی‌شاه بنا نشده بود، و این در زمان ناصرالدین شاه بود که کاخ مزبور ساخته شد.

بدین ترتیب با عنایت به موارد و نکات فوق‌الذکر به نظر می‌آید که اولاً تهیه چنین کتابی، زحمتی مضاعف و بی‌نتیجه بر دوش تهیه‌کننده و ناشر آن بوده است، ثانیاً این سؤال پیش می‌آید آیا بازنویس کتاب ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه واقفاً از وجود چاپ دیگر کتاب بی‌اطلاع بوده و بر فرض بی‌اطلاعی آیا صحیح بوده است که بدون تحقیق در مورد بخشی که به زعم ناشر از دغدغه‌های تاریخ کشور محسوب می‌شود اثری تهیه کند که خود به واسطه اغلاط فراوان پیش از حل مسئله خود ابهام‌برانگیز و مفشوش‌کننده باشد، ضمناً اگر از وجود تاریخ عضدی مطلع بوده چرا به آن استناد نکرده است، ثالثاً آیا ناشر هم به این مطلب در چاپ و نشر آن توجه داشته یا خیر؟ رابعاً آیا توجه به توضیحات مکفی و چسبنا ميسوسو نسخه تصحیح شده دکتر نوایی، دیگر دغدغه‌ای برای دوستاران ناگفته‌های تاریخ کشورمان باقی نمانده بود.

بی‌نوشت‌ها:

- ۱- معروف به موجول میرزا پسر چهل و هشتم فتحعلی‌شاه ر. ک. بلفاد مهدی: شرح حال رجال ایران، ج ۲، چاپ دوم، انتشارات روزگار، تهران ۱۳۵۷، ص ۷۳.
- ۲- طلوسو خاتم مابقه به تاج‌الولاه اصفهانی که اصالتاً گرجی و زن چهل و نهم فتحعلی‌شاه بود. وی از زنان سوگلی شاه به‌شمار می‌رفت و در دربار فتحعلی‌شاه صاحب تشکیلات مفصلی از میرزا و کاتب و صنوق‌دار و خواجه و دست‌های مطرب بود که شرح آن در همین تاریخ عضدی آمده است. ر. ک بامداد پیشین، ج ۲، ص ۷۳.
- ۳- سلطان احمد میرزا، عضدالولاه: تاریخ عضدی، توضیحات و اضافات: دکتر عبدالحسین نوایی، نشر علم چاپ اول، ۱۳۲۶، ص ۱۰۲.
- ۴- همان، ص ۲۱.
- ۵- همان، ص ۸۵.
- ۶- احمدمیرزا، عضدالولاه: ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه به س. ح. حسن محمدی گرساری، نشر آفرینه چاپ اول، تهران، ۱۳۲۹، ص ۱۶۰.
- ۷- همان، ص ۱۶۰، تاریخ عضدی، پیشین، ص ۱۹۸.
- ۸- مقدمه ناگفته‌های دربار فتحعلی‌شاه، ص ۹.



منظور کتاب تصحیح دکتر نوایی است:

- گ - ص ۱۰: عدد آن‌ها قریب چهل بلکه زیاد بود.
- ن - ص ۱۷: عدد آنها قریب چهل بلکه زیاده بود.
- گ - ص ۱۰: خاتم لارگلیز.
- ن - ص ۱۷: خاتم لارگلیز.
- گ - ص ۱۱: معروف است که حاجیه بدرن از حضور در این اسلام آکراه داشت.
- ن - ص ۱۸: معروف است که حاجیه بدرالسا از حضور این اسلام آکراه داشت.
- گ - ص ۱۱: زیردست دولو [افتادگی مطالب بعدی]
- ن - ص ۱۸: و زیر دست دولو نمی‌باید واقع شوم. منازعه و بعضی جهات دیگر به حدی رسید که حاجیه بدرالسا...
- گ - ص قبلی: در حباله علی نقی میرزا...
- ن - همان صفحه: در حباله نکاح علی نقی میرزا...
- گ - همان: از انجام مراد مضایقه فرمود. بدرن خاتم...
- ن - همان: از انجام مراد مضایقه فرمود: بدرالسا خاتم...
- گ - همان: [افتادگی مطالب]... حقیقه ناری را با نهایت احترام برده و سر جنازه زدند.
- ن - اغلامکال که از خواجهمسرایان زنان فتحعلی‌شاه بود، حقیقه زمره مشهور به حقیقه ناری را با نهایت احترام برده بر سر جنازه زدند.
- گ - ص ۱۶: وقتی در بیلاق آقامیرزا قاسم...
- ن - ص ۲۴: وقتی در بیلاق امامزاده قاسم...
- گ - ص ۱۹: افتادگی بخش مربوط به فاطمی باجی کنیز سنبل خاتم، چنان که اشاره شد در نسخه ن بنان مناسبت که چاپ کتاب به اشاره آقاخان محلاتی بوده ماجرای مربوط به کنیز سنبل خاتم که توهینی به جده وی به‌شمار می‌رفت لذا از طبع آن خودداری به عمل آمد. اما این بخش در تصحیح دوم دکتر عبدالحسین نوایی در ص ۲۸ آمده است.
- گ - ص ۲۰: مطلبی تحت عنوان فاطمه خاتم آمده که در حقیقت تجلیل از همان فاطمه است که ذکر آن پیشتر رفت.
- از این دست تفاوت‌ها در کتاب مذکور، بسیار دیده می‌شود که برای جلوگیری از اطناب کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود. اما در خصوص برخی اغلاط و اشکالات خاتمه کتاب نیز نکاتی شایان ذکر است.
- گ - ص ۱۶۰: شعر این بخش اشتباه ضبط شده و معلوم نیست شعر است یا نظم. و به هر حال جنای از افتادگی مطالب از نظر محتوایی هم ایراد دارد:
- کز جود و سخا هر که را بینم بود شرمند احسان او
- جاه او شایسته آن است کز فرط جلال
- فخر بر قیصر نماید هندی دربان او
- ن - ص ۱۹۹

حضرت سلطان محمدشاه کز جود و سخا هر که را بینم بود شرمند احسان او جاه او شایسته آن است کز فرط جلال فخر بر قیصر نماید هندی دربان او

۸- استفاده از تصاویر نامربوط به موضوع کتاب، گاه بازنویس‌ها و توضیحات اشتباه به طور نمونه: تصویر ۲: «زنی در حال تقویم بشقاب حلویات» نوشته شده که درحقیقت زنی در حال تقدیم بشقاب حلویات منظور بوده است.

تصویر ۶: یکی از بانوان دربار فتحعلی‌شاه از آن جا که شل زن شاه پیش از مطربی بوده زن فتحعلی‌شاه بودن این تصویر بی‌پایه است هر چند